

صفحه اول کرونا پخش زنده ویدیو تلویزیون رادیو ایران افغانستان ج

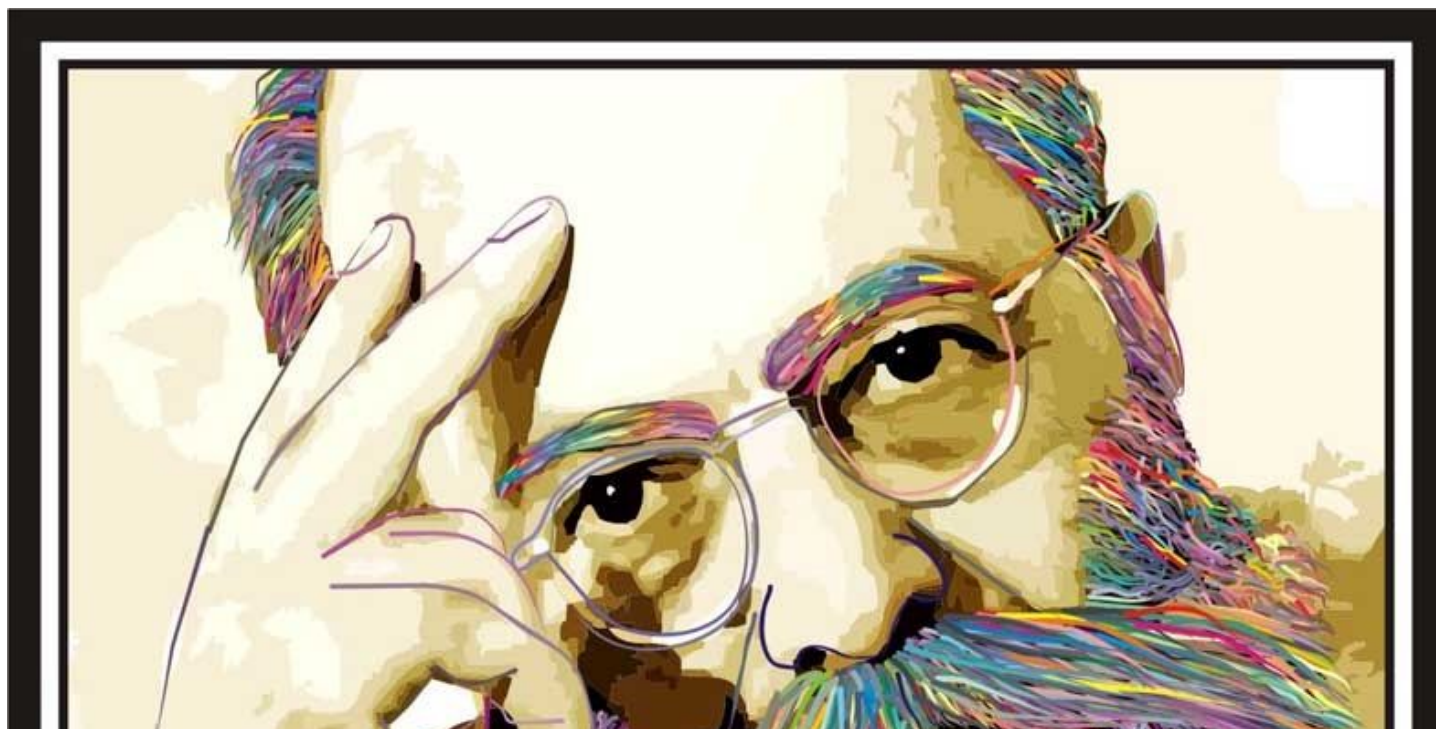
دیلماج لازم؟ - نخیر مرسی، ترجمه قدغن

محمد قائد
روزنامه‌نگار و نویسنده

۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۱۶ مه ۲۰۲۱



مجموعه ناظران می‌گویند، بیانگر نظر نویسندگان آن است. بی بی سی می‌کوشد تا با انتشار مطالب صاحب نظرانی از طیف‌های گوناگون، چشمانداز متنوع و متوازی از دیدگاه‌ها ارائه دهد. در این مجموعه تلاش شده تا حد ممکن، شیوه نگارشی نویسندگان حفظ شود.





دو مخفف FAFT و CFT تقریباً هیچ گاه در رسانه‌های ایران ترجمه نمی‌شود، نه در تیتراژ درشت و سرخط خبرهای مطبوعات، نه در تلویزیون وطنی که به هلیکوپتر می‌گوید بالگرد، و نه حتی در صحبت وزیروکیل‌هایی که از فرط استکبارستیزی و غرب‌گریزی روی پا بند نیستند.

آی‌بی‌ام و بامو و ال‌جی مارک تجارتنی‌اند، و ناسا یادآور آپولو و فضاپیماست. سیا و موساد و ساواک و کاگب (یا کی‌جی‌بی در تلفظ انگلیسی) علایم اختصاری تشکیلات هراس‌آوری است که برای رساندن مخافت قضیه کفایت می‌کند.

اما مخفف دبلیو‌اچ‌او (WHO) را حتماً بسط می‌دهند و سازمان بهداشت جهانی ترجمه می‌کنند تا همه شنونده/خواننده‌ها ملتفت اهمیت موضوع و وخامت وضع، مثلاً بیماری همه‌گیر، باشند. در زیرنویس تلویزیون فرنگی گاه بین حروف آن نقطه می‌گذارند تا 'هو' خوانده نشود.

حالا FAFT و CFT را به فارسی ترجمه نمی‌کنند (و مانند اسامی بی‌بی‌سی و صدای آمریکا وسط جمله فارسی با حروف لاتین می‌نویسند - شاید به نشانه قاطعی شدن ماده بیگانه، مثل ریگ توی برنج). اولی مخفف گروه ویژه اقدام مالی برای پیشگیری از پولشویی و کمک به تروریسم، و دومی به معنی میثاق بانکها علیه تدارک مالی تروریسم است.

برخی اهل نظر و ادیبان گفته‌اند زبان برای نگفتن یا پوشاندن منظور است. فروید معتقد بود کلمه‌ای که ناخواسته از دهن فرد می‌پرد منظور نهانی او را لو می‌دهد.

کسانی از اشاره به "تروریسم اسلامی" برآشفته می‌شوند. اما اختلاف نظر در این باره محدود به نظام اسلامی نیست. گفته‌ای است مشهور که "رزمنده راه آزادی من در چشم تو تروریست است" و برعکس. به گفته سعدی، "محبوب من آن است که نزدیک تو زشت است."

جمهوری اسلامی هم اعتقاد دارد لژیون خارجی‌اش عده‌ای مظلوم حق‌طلب، اما تفنگچی‌هایی که به نفع اربابانی دیگر فعالیت می‌کنند "تروریست‌هایی‌اند از خدا بی‌خبر". با این همه، کلا ترجیح می‌دهد در تبلیغات سیاسی و سخنرانی و رسانه‌ها کلمه تروریسم و پولشویی هرچه کمتر به کار رود - شاید تا چشم و گوش خلایق زیاد باز نشود.

بحث دولتهای عضو آن دو میثاق و معاهده این نیست که اعلام کنید پول از کجا به کجا می‌رود؛ این است که در درجه اول خودتان بدانید کی به کی است. حرف رژیم ولایی این است که خودمان می‌دانیم خوب هم می‌دانیم اما نه به شما مربوط است و نه حتی به دولت رسمی خود ما.

بازاری خداترس شیعه مبلغی به صاحب دسکچه و فتوا می‌پردازد تا بقیه وجوه آلوده به ربا و بهره و حرام را با دعا و فوت (foot، نه fowt) حلال‌تر از شیر مادر و طیب و طاهر گرداند. نیازی نیست صاحب مال توضیح دهد پولها از کجا آمده و به کجا خواهد رفت. به این کار "ردّ مظالم" می‌گویند. ما پول می‌شستیم وقتی این حرفها به عقل جن نمی‌رسید.

با این همه، امروزه در نقل و انتقال پول در بانکهای ایران هم فرستنده باید قید کند بابت چه کالا یا خدماتی می‌پردازد. صندوقدار بانک دست به تحقیق نمی‌زند که آنچه مشتری می‌نویسد واقعیت دارد یا نه. اما چنانچه کار به جاهای باریک و رسیدگی قضایی بکشد اظهار خلاف واقع در سند مالی می‌تواند جرم محسوب شود.

زمانی که زبان فرانسه در متون علمی و دانشگاههای ایران رواج داشت برخی پزشکان گاه مثلا برای اشاره به فوت بیمار کلمه *décédé* به کار می‌بردند تا تأثیر منفی روی سایرین نگذارد. اگر می‌خواستند منظورشان را به زبان زرگری بیان کنند به هر هجا یا سیلاب یک حرف ز با همان حرکت اضافه می‌شد: فوزو. تیزه. شوزو. دزه. یا: ریزی. قزه. رزه. حزه. مزه. تزه. روزو. سَرَز. کزه. شیزی. دزه. هزه.

نویسنده فقید اسماعیل فصیح در رمان "ثریا در اغما" عبور عین جمله از کیف سانسور را نامحتمل دید و برای نقل صحبت چند مرد ایرانی در پاریس درباره هموطن مؤنث جمله‌ای با تکنیک زبان زرگری ابداع کرد: "خوزو. شیزه. گزه. لزه. هزه. وَز. لیزی. نزه. میزی. دزه."

در ایران افرادی که در "پارتی مختلط شبانه" یا روز روشن روی پشت بام اقدام به ترقص و ضبط فیلم و پخش در شبکه‌های اجتماعی کنند به اتهام اشاعه فساد کیفر می‌بینند. به السّابقون والسّارقون/ اولئک گانگسترون هم که دست به دزدیهای هنگفت می‌زنند و بار تا هفت پشت‌شان را می‌بندند اتهام فساد مالی وارد می‌شود. در زبان عادی و غیراداری به اقدام اول می‌گویند خوش‌گذراندن، به دومی می‌گویند دزدی. رژیم سابق هم واژه فساد را به کلمات عریان و همه‌فهم دزدی و اختلاس ترجیح می‌داد.

در مقابل، پیچیدن کلمات در لایه‌ای از تعابیر فنی ترفندی است برای ارتقای مفهوم از پیش‌پاافتاده به متعالی. نان سفید یا ساندویچی بلکی یا بولکی و باگت را در روزگار جدید در کارگاهی می‌پزند با تابلو "نان فانتزی" (دوبله به خارجی: فانتاستیک برد). اگر قصابی می‌تواند سوپر پروتئین باشد، به نانوایی هم می‌توان گفت کربوهیدراتی. و به ماهی‌فروشی: امگا ۳ و اسیدهای چرب اشباع‌نشده.

اوایل رژیم اسلامی بالای خبر مربوط به اعدامهای دوجینی می‌نوشتند "بسم الله القاصم الجبارین" - به نام خدای درهم‌شکننده ستمگران و زورگویان. طاعنان می‌گفتند منظور واقعی باید درهم کوبیدن دفتر و دستک نویسندگان و روزنامه‌نگاران باشد.

با هزیمت و سینه دیوار رفتن سران رژیم سابق و پایان قطعی آن، ابتدا ترجمه جمله را به "درهم‌شکننده سرکشان" تغییر دادند تا مناسب حال وهوای دهه ۶۰ شود. پیش‌تر حکومت بد بود و مخالفانش خوب، حالا برعکس. در قدم بعد، جمله تهدیدآمیز از رواج افتاد و در پارچه‌نویسی شهرداری جایش را داد به "خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد." مدرن‌سازی مفهوم الوهیت و تلطیف به جای دهشت‌افکنی.

دو مورد از فهرست طولانی صفات پروردگار هم که قدیم در متن مکرر به کار می‌رفت اکنون منسوخ شده: جبار (قاهر، مسلط، مجبورکننده) و منتقم (انتقام‌گیرنده).

با این همه، طرز فکر پشت آن کلمات و عبارات و جملات تداوم می‌یابد. در کاشیکاری مکانهای مذهبی می‌بینیم الجبار و المتکبر همچنان جزو صفات پروردگار به حساب می‌آید.

از مفترین پرسید اصلاً چرا خالق بی‌نیاز سماوات والارض باید زور بگوید و کبر بورزد و چگونه می‌توان بدون کینه‌توزی، یعنی زنده‌نگه‌داشتن خاطره سرشار از تنفر، انتقام گرفت. پس از مقادیری ژیمناستیک کلامی و گرداندن روی چرخ فلکی فلسفی، شما را گیج‌تر از پیش به حال خود رها می‌کنند.

از همین نویسنده:

- شاملو؛ دهه و دهه‌ها
- سوم اسفند - رضا خان سوادکوهی؛ ظهور - شاید تصادفی، صعود - یقیناً مقاومت‌ناپذیر
- سی خرداد؛ روزی که مدت‌ها پیش آغاز شده بود
- فانوسی دریایی، برجی در صحرا
- معصومیت بر بادرفته شاعر
- درباره داریوش همایون؛ لایه‌های نوشته، مراتب نویسنده
- نگاهی دیگر؛ سانسور به عنوان خشکشویی

مهمترین خبرها

نتانیاهاو: حملات اسرائیل حماس را ضعیف کرده است

۳ ساعت پیش

آژانس بین‌المللی انرژی: سرمایه‌گذاری در سوخت‌های فسیلی 'باید متوقف شود'

یک ساعت پیش